



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۳/۰۸

نعیم بارز

نوشته ای در بحث قتل فجیع «فرخنده» که در ذیل از نظر شما خواهد گذشت در سال 2016 به پاسخ نوشته محترم جلیل غنی در سایت «آریانا افغانستان» به نشر رسیده بود. اینک بدون یک کلمه کم و زیاد از نوشته مذکور در خواهید یافت که دفاع همین به اصطلاح روشنگران و پاسداران دین چگونه باعث میشود که جهاد گران و «گروه طالبان» چون آتش زیر خاکستر سر برآورده و شعله ور شود.

## نتیجه ترس از بحث آزاد، زیر نفوذ کتک های سنتی و مذهبی!

۱۰/۰۴/۲۰۱۶

خانم فهیم و محترمی آشا جان ابوی به مناسبت قتل فجیع خانم فرخنده مطالب بسیار ارزنده و اثر گذاری را به صورت کلیپ در آورده که قبلاً در بعضی سایت ها و ارگان های نشراتی دیگر به نشر رسیده است، اخیراً خواسته بودند اگر ممکن باشد در سایت «وزین آریانا افغانستان» نیز بنشر رسد. اما از آنجائیکه از بیان سخنان خانم محترم بر داشت های متفاوت و متضادی تبارز یافته بود، محترم آقای ولی احمد نوری مدیر مسئول سایت از همه موسسان سایت آریانا افغانستان خواستند تا به مطالب کلیپ مذکور به دقت گوش فرا داده و بعداً پیرامون آن در یک بحث اسکایپی شرکت کرده راجع به چگونگی مضمون و اینکه در سایت آریانا افغانستان بنشر رسد یا خیر ابراز نظر نمایند. محفل برگزار شد و در مورد مضمون کلیپ مذکور هر یک به نوبت نظرات موافق و مخالف شان را ابراز نمودند که جمعاً دو ساعت را در بر گرفت و در آخر با آنکه از جمله هفت نفر چهار نفر موافق به نشر آن داشتند مگر محترم ولی احمد نوری برای اینکه مبدا نظرات موافق و مخالف منجر به اندک رنجی دوستان شود و از بیرون هم اعتراضات در موقف تازه آغاز به فعالیت کرده سایت اثر منفی گذارد نشر آنرا مجاز ندیدند.

اما به تعقیب بحثی که در بالا ذکر آن رفت، محترم آقای جلیل غنی نظر خود را کتبی نیز بوسیله ایمیل عنوانی اعضای موسسان سایت آریانا افغانستان فرستادند. که اینک من از حسن نظر و کلمات تعارفی شان تشکر کرده مگر بر اساس حق آزادی بیان که نزد مهمتر از هر حق دیگر است به خود مسئولیت میدانم نکات چندی را که محترم آقای غنی مطرح فرموده اند و اینجانب به آن موافق نیستم در اینجا مختصراً خدمت وی و دیگر دوستان به عرض رسانم:

« . . . به اظهار محترم خانم ابوی این ویدیو کلیپ قبلاً در ویسایت ها و یوتیوپ به نشر رسیده، اما به قول محترم آقای جلیل غنی که سی سال سابقه کار ژور نالیست داشته و اخیراً در یکی از تلویزیون ها در امریکا مصروف است با آوردن چنین دلیلی که «کلیپ مذکور تازه گی و ابتکار جدید نبوده که برای بار اول ما افتخار نشر آنرا میداشتیم و در آن باره تصمیم می گرفتیم، راجع به نشر آن نظر منفی دارد.

و پرسیده: چرا این خانم می خواهد آنرا با یا فشاری های مصرانه درین ویسایت نشر نماید، جز آنکه اجندای خاص و هدف خاصی در پشت پرده بوده باشد . . . نمی خواهم با حدسیات فکر ها را پریشان بسازم ولی از خلال این ویدیو کلیپ دین ستیزی، اسلام ستیزی و بی حرمتی به اعتقادات مردم افغانستان بصورت مجموع و اهانت به سی میلیون افغان و فاسد خواندن همه بلا استثنی، میلان فکری تهیه کنندگان این کلیپ را نشان میدهد. . . »

اینجانب نعیم بارز باید خدمت آقای غنی و هم نظران شان به عرض رسانم که من به این برداشت شان موافق نیستم، زیرا همانطوری که خانم ابوی خود این برداشت ها را رد کردند و مفصلاً توضیحاتی ارائه داشتند. به برداشت اینجانب نیز از گفته های او دین ستیزی و بی حرمتی به اعتقادات اصیل مردم و اهانتی به سی میلیون افغان استنباط نمیشود.

و اینک می پردازم به استدلال نکات ذکر شده در بالا در مورد برداشت دین ستیزی:

همین قدر کافی خواهد بود گفته شود که خانم ابوی در کلب با صدای رسا به خدایش میگوید در آن لحظه های که فرخنده بی گناه بیرحمانه و به صورت وحشیانه به قتل می رسید، «خدایا کجا بودی؟» این جمله خود میرساند که خانم ابویی به وجود خدا باور داشته که در چنان موقعیت زن مسلمان و بی گناهی که از هیچ سو حمایت نمیشود و از سوی همه حاضرین در صحنه بدون یک کلمه سوال و حتی شنیدن صدای او که به تکرار میگفت من مسلمانم قرآن را در نداده ام مرا بی سیرت نکنید، نه زنی نکشید . . . اما در نهایت بیرحمی همه حاضرین حتی با موجودیت پولیس، جنون زدگان چنان به خشم آمده بودند که گوش های شان کاملاً کر شده بود و هر کس تلاش می ورزید زودتر از دیگری با مشت و لگد و چوب و سنگ او را بزند و به زعم خود شان شامل صواب شوند.

محترم آقای غنی خود بگوئید: آیا این قتل فجیع و حشت ما مردم را نشان میدهد یا نه؟ که از میان صد ها نفر بی سواد و با سواد یکی هم در آنجا صدای اعتراض بلند نکند. آیا اینست اسلامیت و شجاعت اخلاقی مردان ما در برابر زن مسلمان بیگناه و بی دفاع افغان؟

نگوئید این کار کسانی بوده که از دین بی خیر بوده اند، باید گفت آنهایی که خوب از دین هم خبر داشتند مثل امام مسجد وزیر اکبر خان و خانمی از وزارت اطلاعات و کلتور، از بعضی نمایندگان پارلمان و دیگران تا توانستند با فهم و درک و منطق به اصطلاح اسلامی خود از عمل جهل و - وحشت به دفاع پرداختند.

مردم در کلیت به شمول چیز فهمان و تحصیل کردگان که نسل اندر نسل صدها و هزاره ها در فرهنگ بسته سنتی و مذهبی بسر برده اند، طبیعتاً در اثر تبلیغات هراس افگنی ملایان و دست و پا بریدن ها و سنگسار کردن ها در ملای عام، حتی در خلوت خود نیز این فشار ها را احساس می کنند، تو گویی چشمی از بالا مدام ما را می بیند و افکار و حرکات ما را دقیقاً ثبت می کند.

گرچه مردم فطرتاً آزادی خواه هستند و طبق نیازمندی های شان به آرزوی رسیدن به دولت خوب و عادل هستند، اما وقتی پای این بحث ها حتی با بعضی به اصطلاح روشنفکران پیش کشیده می شود که دولت خوب کدام است و عدالت و رفاه اجتماعی چگونه به وجود می آید؟

بار ها دیده شده که عده زیادی تحصیل کردگان معمولاً حل همه مشکلات و نیازمندی های جامعه را در توانایی های فردی و در مقام ریاست دولت خالص کرده اند. از این نوع ابراز نظر ها چنین استنباط می شود که آنها از فرد به اصطلاح رهبر برداشت خدا گونه ای دارند و یا دستکم از رهبر تصور چوپان و از مردم تصور رمه ای گوسفند را دارند.

اما تجارب تاریخی بار ها نشان داده است که مشکلات و خواست های مردم یک کشور با انتخاب یک فرد و چند فرد ولو دارای همه صفات نیک و مثبت انسانی باشند، حل و تامین نمیشود. بلکه امور مردم یک کشور وابسته به آگاهی همگانی بوده، بالاخص تعلق به روشنفکران ورزیده، صادق و شجاع دارد که بتوانند مسایل سیاسی و اجتماعی را برای مردم عادی و عوام تبیین کنند، یا به بیان دیگر کار روشنفکران و نویسندگان قابل فهم کردن مسایل غامض اجتماعی بوده که سعی نمایند با جهل و خرافات مبارزه کنند نه اینکه دل شان از نقد سنت های دست و پا گیر تاریخی بلرزد و نقد آزاد و شفاف را بیرحمی و بی احترامی در حق توده های میلیونی مردم بدانند، زیرا این نوع احترام گذاری کاذب در حق مردم در واقعیت امر احترام به جهل و خرافات شان بوده و ظلمی خواهد بود در حق «سی میلیون انسان افغان» که شما آقای جلیل غنی متذکر شده اید.

محترم آقای جلیل غنی تا زمانیکه ما نقص و کمبود های جامعه خود را که من هم جز آن هستم درک نکرده و به صراحت برملا نسازیم مشکلات و کمبود های کشور برطرف نخواهد شد.

ببینید کمونیست های خلق و پرچم چقدر مرتکب جنگ و جنایت شدند، مدعیان جهاد و طالبان همچنان، اینها همه افغان هستند و اجزای مجزا از ملت افغانستان نیستند. ولی چرا در حق مردم و کشور خود چنین ظلم و جنایاتی را روا داشته و روا میدارند؟

معلوم است که ما بسیار عقب ماندگی فرهنگی داریم. از چند سال بدینسو قانون اساسی و قوانین دیگری را داریم و از دیموکراسی هم سخن گفته می شود، اما از اینکه فرهنگ دیموکراسی را نداریم قانون به صورت درست تطبیق نمیشود وقتی به غلط اجرا و یا نقض می شود مردم عکس العمل نشان نمی دهند، چنانکه میلیون ها انسان در انتخابات شرکت کرده و به این و آن رای دادند ولی در اثر رای مردم رئیس جمهور بوجود نیامد، بلکه در دعوی قدرت وزیر خارجه ایالات متحده امریکا تعیین کرد که هر دو اشرف غنی و عبدالله عبدالله به صورت بی سابقه و در تناقض با قانون اساسی، صلاحیت های شان مساوی باشد و می بینیم که این راهی شده است رفتن به سوی بحران و فساد در همه نهاد ها و ادارات .

محترم آقای جلیل غنی مشکل دیگر این است که تا کنون در کشور ما جایگاه دین و دولت مشخص نیست. تحقیقات در غرب نشان داده است تا زمانیکه جایگاه دین و دولت مشخص نشده، در هیچ زمینه پیشرفت چشمگیری نصیب مردمان غرب نشده است، اما پس از آنکه نظام های سیکولار و یا لائیکسته بر قرار گردیده، در اثر آزادی و رقابت در تمام زمینه ها تحولات محیر العقولی روی داده است که اکنون ما شاهد آن هستیم.

همچنان در تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته، گفته شده است: در گذشته عدم آزادی و نبود نظام های سیکولار و لیبرال هفت صد سال باعث عقب افتاده گی اروپا گردیده است.

البته این همه آزادی و تحولات خود به خود بوجود نیامده اند بلکه بیشتر از هر چیز محصول کار آگاهانه و شجاعانه روشنفکران، نویسندگان و دانشمندان کشور های غربی بوده و همه میدانیم که انقلاب فرانسه و تحولات مثبت و مترقی بیشتر از هر چیز در اثر افکار آزادی خواهانه روشنفکران و نویسندگان صورت گرفته است.

در مبارزه با قدرت و ایستادن در برابر قدرت یکی هم همین مبارزه با خرافات سنتی و مذهبی است که استبداد همواره از این ابزار برای نگهداشتن مردم در جهل سود برده است.

محترم آقای جلیل غنی به برداشت من موضعگیری شما در برابر کلپ خانم ابوی در تحلیل نهایی عکس العمل ناشی از فضای بوده که در اثر کودتای 7 ثور و گفتار و رفتار دین ستیزانه ای خلق و پرچم به وجود آمده که نه تنها ملایان و همه مردم مسلمان را بر انگیخت بلکه حتی بخشی از گروه های دیگر چپی را نیز به سمت و سوی رهبران دینی مذهبی و جنگسالاران کشانید و در نتیجه چنان فضای ترس و اختناق در کشور و منطقه حاکم شد که برای هر کس جز راه فرار به غرب و یا مطلق تسلیم دکان داران دین شدن، دیگر راهی باقی نمانده بود.

اما در مدت پانزده سال اخیر با همه کم و کاست از لحاظ آزادی بیان فضای داخل کشور به طور نسبی بیشتر از هر زمان و هر کشور همسایه مساعد تر گردیده است، ولی جای گله است که در چنین اوضاع به جای اینکه شما به عنوان یک ژورنالیست آگاه و زندگی در کشور کاملاً آزاد به دفاع از آزادی بیان سخن بگویند، اظهارات خانم ابوی را که در دفاع از حقوق زن مظلوم «فرخنده» لب گشوده، او را به دین ستیزی و توهین به سی میلیون افغان متهم کرده و می ترسانید.

محترم آقای جلیل غنی، گیریم که در یک چنان فضای ظلم و وحشیگری کسی حرف دین ستیزانه ای گفته باشد، آیا شما آن اوضاع و شرایطی را که او سخنان دین ستیزانه گفته به تحلیل و بررسی گرفته و به آن شخص دین ستیز نظر مثبت تان را پیش کش می کنید یا فوراً به گونه ملای شاه دو شمشیره او را محکوم به دین ستیزی می کنید؟

محترم آقای جلیل غنی شما که ژورنالیست مسلکی هستید، می خواهم از نویسنده بسیار شناخته شده قرن هژده که او را نخستین ژورنالیست تاریخ بشر می دانند و در تاریخ تحولات اجتماعی سیاسی فرانسه و اروپا تأثیر بسیار بسزا و ژرفی از خود برجای گذاشته مثال بیاورم:

او را حتماً می شناسید «ولتر» نام دارد وی در دفاع از آزادی بارها به زندان رفته و بیرون آمده است، اما از مبارزه دست نکشیده، برای اینکه به کار خود ادامه دهد و به چنگ پولیس فرانسه و زندان بستیل نیفتد، خانه ای خود را در بین سرحد فرانسه و سویس تعیین کرد تا اگر پولیس فرانسه برای دستگیری اش بیاید به سویس فرار نماید.

از این نویسنده چیره دست و پر کار آثار او شامل 52 جلد کتاب و نامه ها و مکاتبات وی به 102 جلد می رسد. آثار ولتر را زراد خانه مبارزه با جهل و خرافات و تعصبات و پیش داوری ها می دانند.

بی دلیل نیست که لویی شانزدهم فرانسه بعد از آنکه در اثر شورش مردم به زندان افتاد، کتاب های ژان ژاک روسو و آثار ولتر را مطالعه کرد و در نتیجه گفت: «در یافتن که این دو نفر با کتاب های شان باعث سقوط حکومت من شدند» توجه کنید تأثیر آثار ولتر و روسو چه بود که لویی شانزدهم را از قدرت و جباریت انداخت؟

کتاب های روسو در تقابل با بینش ارتدوکس مسیحیت بود، از سوی دیگر هدف ولتر نیز مبارزه با جهل و خرافات بود و برای همین به طور دایم با مصادر قدرت در گیر بودند. ولتر همچنین با کلیسا در مخالفت قرار داشت و کلیسا را عامل بدبختی اروپا و بخصوص برای فرانسه می دانست.

این مسایل باعث شده بودند که افکار عمومی نسبت به مصادر قدرت از جمله کلیسا و در بار تحریک شوند و آنها را علت اصلی عقب ماندگی فکری و اجتماعی خود بدانند. خلاصه عقایدی که توسط ولتر و روسو اظهار می شدند، باعث آن گردید که دید سنتی مسیحی سست و بی اعتبار شود و مردم نیز با دید تازه ای به جهان بنگرند.

من با یک نقل قول از ولتر در دفاع از حق آزادی بیان به این نوشته پایان می دهم:

ولتر هنگامی که شنید مقامات سویسی دستور سوزاندن کتابهای ژان ژاک روسو را داده اند او بر این اصل معروف خود تأکید ورزید که: «من یک کلمه از آنچه تو می گویی را قبول ندارم یعنی از حرف ها و مواضع سیاسی ژان ژاک روسو، اما برای آنکه تو حق گفتن سخنان خود را داشته باشی، تا دم مرگ مبارزه خواهم کرد تا تو حرف ات را آزاد بیان نمایی» بلی محترم آقای جلیل غنی ژورنالیست، مردم عقب مانده افغانستان از شما نیز این انتظار را دارند تا آنچه که از نظر مردم مخفی نگاه داشته می شود، وظیفه ژورنالیست است که آن را روشن و بر ملا نماید.

پایان